

شادتر از هفده سالگی پسری عاشق

پل ورلن

برگردان:
آسیه حیدری

سرشناسه	ورلن، پل، ۱۸۴۴-۱۸۹۶ میلادی
عنوان و نام پدیدآور	شادتر از هفده سالگی پسری عاشق، پل ورلن/ برگردان: آسیه حیدری شاهی‌سرای
مشخصات نشر	ادبی الف، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۸۸ صفحه، رقعی
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۸-۴۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
موضوع	شعر فرانسه — قرن ۱۹ م.
رده بندی کنگره	۳۱۳۹۴ / ش / PQ۲۵۰۰
رده بندی دیویی	۸۴۱/۸
شماره کتابخانه ملی	۴۰۳۱۵۹۹



ناشر ادبی الف

شادتر از هفده سالگی پسری عاشق

پل ورلن

ناشر: ادبی الف

نوبت چاپ: چاپ دوم ۹۴، اول نشر ادبی الف

شمارگان: ۱۰۰۰

طرح جلد: علی سیدصالحی

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: طهرانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۸-۴۹-۸

قیمت: ۹,۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان وحید نظری، کوچه قدیری، پلاک ۲۱، ۷۵۰۱۰۲۱



info@nashrealef.com



instagram.com/nashrealef

تلفن: ۶۶۴۱۳۴۳۰ - ۶۶۹۷۰۳۴۳

همراه: ۰۹۱۹۹۹۵۴۵۸۶

www.nashrealef.com

حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

پیشگفتار

پل ورلن در ۳۰ مارس ۱۸۴۴ در خانواده‌ای بورژوا در شمال شرقی پاریس در شهر متز به دنیا آمد. پدرش ارشی بود کودکی و نوجوانی‌اش را در پاریس سپری کرد. در مدرسه‌ای بنام ارت تحصیل کرد سپس به عنوان کارمند شهر ری پاریس به کار مشغول شد. در آن زمان بیشتر وقت آزادش را در کافه‌ها و محافل ادبی سپری می‌کرد و این رفتار او سرزنش مادرش و خانواده را نسبت به او برانگیخته بود تا جایی که ارتباط مادر و فرزند به تیرگی گرایید. ورلن در آن زمان، تحت نفوذ پارناسین‌ها شعر می‌سرود و برخی شعرهایش در مجله‌های آن‌ها به چاپ رسید.

مجموعه «Poèmes Sauriens» را در سال ۱۸۸۶ و «Fêtes Galantes» بزم‌های عاشقانه را در سال ۱۸۶۹ به چاپ رساند. دو مجموعه‌ای که تحت نفوذ زنان پرناسین‌ها سروده شد اما ویژگی‌های انکارناپذیر شعری او، به نظر اندوه و شهوت پرستی، در آن مشهود بود. در سال ۱۸۷۰، به دختری شانزده ساله، به نام ماتیلد ماته، Matild Mauté، دل می‌بازد.

مجموعه‌ی «ترانه‌ی خوش» «La Bonne Chanson»، ۱۸۸۰، محصول این دوره است که سرشار از شادی و امید و رهایی‌بخش از این عشق، برای شاعر است.

نامزدی با ماتیلد موته، شاعر را از سرگردانی عشق رهایی می‌بخشد و به زندگی او روح می‌دهد و سپس با او ازدواج می‌کند اما واقعیت ازدواج خیلی زود این شور و اشتیاق را از بین برد و مشکلات مالی و شغلی، اندکاندک، روابط خانوادگی‌اش را دچار تزلزل کرد. ملاقات او در ۲۷ سالگی با آرتور رمبو هفده‌ساله، در سال ۱۸۷۱، ضربه‌ی آخر را به رابطه خانوادگی آسیب‌پذیرش وارد کرد. ورلن پس از چند ماه هم‌زیستی خشونت‌بار و دشوار در کنار خانواده، ترجیح داد با رمبو پا به فرار گذاشته و به خوشگذرانی بپردازد و همسر و فرزندش را رها کند. آن دو، به بلژیک و سپس به انگلستان رفتند.

اما رابطه‌ی پرهیاهو و احساسی آن دو، سرانجام به مشاجره منتهی شد و تا جایی پیش رفت که خطر آن می‌رفت که پلیس فریسه‌ها را رابطه‌ی آنها آگاه شود. در سوم ژوئیه‌ی سال ۱۸۷۲ در میرز سه‌دی بین ورلن و رمبو پیش می‌آید. این بگومگو در حقیقت بهانه‌ای بیش از سوی ورلن برای بازگشتنش به سوی همسرش نبود. او همسرش را تهدید می‌کند که اگر سر قرار حاضر نشود، به خودش شلیک خواهد کرد. مادرش در بروکسل پدر را می‌بیند و رمبو نیز ۸ ژوئیه پس از دریافت تلگراف ورلن به بروکسل می‌آید. ورلن که مست بود با علم به این که سرانجام رمبو او را ترک خواهد کرد، دو بار به روی رمبو شلیک می‌کند و رمبو از ناحیه‌ی دست چپ، مجروح می‌شود. تحت مراقبت‌های پزشکی قرار می‌گیرد و حالش خوب می‌شود. اما جراح به نظر می‌رسید که ورلن اصرار دارد که در راه‌آهن، به هر قیمتی شده جلوی رفتن رمبو را بگیرد، رمبو می‌ترسد و به ناچار پای پلیس به میان می‌آید و رابطه‌ی این دو کشف

می‌شود. هشتم اوت، ورلن به دوسال زندان در بروکسل و ۲۰۰ فرانک جریمه محکوم می‌شود اگرچه رمبو شکایت خود را پس گرفته بود.

در بیست و هفتم مارس ۱۸۷۴ «عاشقانه‌های بی‌کلام» "Romances sans paroles" به پایان می‌رسد و در ۲۴ آوریل ماتیلد از دادگاه در خواست طلاق می‌کند و سرپرستی پسرانش را به عهده می‌گیرد. ورلن نیز به پرداخت سالانه ۱۲۰۰ فرانک به همسرش محکوم می‌شود. در ماه دسامبر شاعر به مکتب کاتولیک می‌پیوندد که شعرهای مذهبی «فرزانیگی» "Sagesse" حاصل این دوره است. او ۱۶ آبان ۱۸۷۵ از زندان آزاد می‌شود. به خاطر رفتار خوبش در زندان یک سال بخشودگی به او تعلق گرفته بود. ورلن در استوتگارت Stuttgart با رمبو ملاقت می‌کند که این ملاقات به نوعی مآلیمت و جدایی او بعدها هم دوا در جریان فعالیت‌ها و احیای رمبو بود. در سال ۱۸۷۸ باز می‌کوشد رابطه‌اش را با همسر سابقش ماتیلد از سر بگیرد که موفق نمی‌شود. پس از آن با یکی از شاگردان خصوصی‌اش به نام لوسین لوتینوا Lucien Lelinois که ۱۸ ساله بود، رابطه‌ی مبهمی ایجاد می‌کند. در سال ۱۸۸۱ «فرزانیگی» با هزینه‌ی ناشر چاپ می‌شود. لوسین لوتینوا در سن ۲۳ سالگی به دلیل تیفوئید از دنیا می‌رود و ورلن را به اندوهی دوباره می‌کشد. ورلن و مادرش در قاره‌ی آلمانی که مادرش در دهستان ملول malval خریداری کرده بود زندگی می‌کنند. ورلن روزگارش را در مستی و بی‌قیدی می‌گذراند. مادر زمین ملول را به نام پسر می‌کند. ورلن در سال ۱۸۸۵ دفتر «پیش‌ترها و هرگز» را به چاپ می‌رساند. در نهم فوریه‌ی همان سال بر اساس رای دادگاه

ملک ورلن از او گرفته می‌شود و به ماتیلد می‌رسد. شاعر عصبانی می‌شود و نزدیک بود مادرش را خفه کند که مادر به همسایگان پناه می‌برد. در ۲۱ مارس ورلن به جرم آسیب رساندن و تهدید مادرش به یک سال زندان محکوم می‌شود. سیزدهم ماه می، با واسطه‌ی مادر از زندان آزاد می‌شود اما تا ژوئن سرگردان و آواره است. پس از آن با مادرش در هتل میدی Midi در پاریس اقامت می‌کند. مادرش بیمار می‌شود و در ۲۱ ژانویه ۱۸۸۶ از دنیا می‌رود. ورلن بیمار از بیمارستان به هتل در آمد و رفت بود او حتی نتوانست در تشیع جنازه‌ی مادر، شرکت کند. در این هنگام، او یکی از برجسته‌ترین و مورد ستایش‌ترین نویسندگان نسل خود بود. اثرات بسیار بسیاری بر شاعران جوان زمان خود داشته و به ویژه بر سمبولیست‌ها. از دیگر آثار او رساله‌ای درباره‌ی رمان، مآلومه و تریستان کوربیهیر (شاعران نفرین شده) ۱۸۸۴، است که به عنوان شاعر نفرین شده شناخته شد، فرانسوا ولور François Volon در قرن پانزدهم بود. شعر فرانسه، در پایان قرن نوزدهم، به دست شاعران نفرین شده افتاد. شاعرانی که قراردادهای اجتماعی را قبول نداشتند و تا زمانی که مانیفست سمبولیسم را آشکار نکردند، چندان مورد توجه قرار نگرفتند. شارل بودلار، برجسته‌ترین شاعر نفرین شده است.

همچنین مجموعه‌ی «به موازات» "Parallèlement"

۱۸۸۹ و شعرهای پایان عمرش که اتوبیوگرافی و شور از اوست با نام‌های بیمارستان‌های من "Mes Hôpitaux" ۱۸۹۲، زندان‌های من "prisonnes" ۱۸۹۳ "Mes" و اعتقالات "confessions" ۱۸۹۵ "Mes" او در سال ۱۸۹۴ پس از مرگ بوکنت دولیل Leconte de Lisle پرنس شاعران فرانسه، ملک الشعرا

می‌شود. ورلن مشهور، در ژانویه ۱۸۹۶ فقیر و تنگدست، در اثر بیماری و الکل، برای همیشه به خواب فرو رفت.

ورلن جایگاهی بین پاراناس و سمبولیسم برای خود ایجاد می‌کند بی‌آن‌که بین این دو مکتب خود را محصور کند. او قواعد الکساندرین را تلطیف و ساده‌تر می‌کند. استفاده از بیت‌های فرد، بی‌توجهی و اهمال‌کاری عالمانه، گند کردن ریتم شعر، استفاده‌ی عامدانه از کلام عامیانه و مردمی، و گاهی هم واژگان آرکائیک، توجه به موسیقی کلمات در شعر، استفاده از زبانی نمادین در القا احساسات، نشان دادن احساسات مبهم و تغییرات ظریف روحی، احساسات زودگذر و تغییر ردیدگ^۱ و نوشتار، از تأثیرات ورلن در شعر زمان خود و در مکتب سمبولیسم بود.